

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی^۱

اله مراد سیف* و موسی خوشکلام خسروشاهی**

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۳۹۲ تاریخ پذیرش: ۱۴ آبان ۱۳۹۲

اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی است که با شدت گرفتن تحریم‌های آمریکایی- غربی علیه اقتصاد ایران موضوعیت پیدا کرده و به تعبیری عبارت از مجموعه تدابیر مدیریتی جهت حداقل سازی آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر ریسک‌های متعدد داخلی و خارجی می‌باشد. یکی از بخش‌های اقتصاد ایران که همواره در معرض آسیب و ریسک قرار دارد بازار ارز می‌باشد؛ از این رو در مقاله حاضر با توجه به آسیب‌پذیری‌های نظام ارزی کشور تلاش شده است تا با معرفی و برآورد مدل‌هایی که ارتباط بین نرخ ارز با صادرات، واردات و تولید را بررسی می‌کنند و همچنین با آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود، راهکارهایی برای پی‌ریزی نظام ارزی به معنی دقیق آن بیان شده و سپس نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی معرفی و پیشنهاد شود. نظام ارزی به معنی دقیق آن در اقتصاد ایران وجود ندارد چراکه عوامل ذره‌ای در طرفین عرضه و تقاضای بازار ارز تعیین‌کننده نرخ ارز نیستند. با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل‌های مربوط به تأثیر نرخ ارز بر صادرات، واردات و تولید از یکسو و آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود کشور از سوی دیگر بیان می‌گردد که برای پی‌ریزی و شکل‌گیری نظام ارزی در اقتصاد ایران (که فرآیندی زمان‌بر است) بایستی مجموعه اقداماتی انجام گیرد که اهم آنها عبارتند از بکارگیری سیاست‌های اقتصادی به قصد متنوع‌سازی صادرات کالاها و خدمات، اصلاح ساختارهای نهادی و فنی و تکنولوژیکی تولید کشور، افزایش بهره‌وری نهاده‌های تولیدی به خصوص بهره‌وری نیروی کار، ارتقاء رقابت‌پذیری

۱. این مقاله برگرفته از مطالعه‌ای با عنوان «معرفی نظام ارزی مطلوب در چارچوب الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد که در دانشگاه جامع امام حسین (ع) انجام شده است.

dr_a_seif@yahoo.com

* دانشیار اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

mosa_khosrowshahy@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی

کالاها و خدمات تولیدی در اقتصاد کشور و نهایتاً تنوع‌بخشی به منابع ارزآوری از نفت و محصولات وابسته به آن به غیرنفت. بدنبال شکل‌گیری نظام ارزی، نظام ارزی شناور مدیریت شده به‌عنوان نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران معرفی و پیشنهاد گردید که دلیل آن مربوط به مزایای نظام ارزی شناور و همچنین امکان مدیریت نرخ ارز در مواقع لزوم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، نظام ارزی، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL: F31، F41، E52.

۱. مقدمه

وجود تحریم‌های غربی - آمریکایی علیه اقتصاد ایران و مشکلاتی که این تحریم‌ها بر بازارها و بخش‌های مختلف اقتصاد ایران (بازار کالاها و خدمات، بازار عوامل تولید و بازار پول) به‌خصوص بازار ارز به‌وجود آورده‌اند، یکی از مهم‌ترین عواملی بود که باعث شد تا موضوع اقتصاد مقاومتی به‌عنوان چارچوبی مناسب برای اقتصاد ایران مطرح شود. اقتصاد مقاومتی، چارچوب تحلیل نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی بوده و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.^۱

در برهه‌ای از زمان در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی، شاهد بروز بحران در بازار ارز اقتصاد ایران بودیم که بدون تردید یکی از عوامل اصلی بوجود آمدن این بحران ارزی (در کنار نواقص موجود در نظام ارزی کشور) وجود تحریم‌های اقتصادی که عمدتاً جنبه مالی داشته‌اند، بوده است. البته عوامل دیگری نیز در وقوع این بحران در بازار ارز نقش داشته‌اند که می‌توان از سوداگری گروه‌های خاص، شوک حامل‌های انرژی، ساختار خاص اقتصاد کشور و حجم بالای نقدینگی به‌عنوان اهم آنها نام برد. با توجه به ویژگی‌های خاص ساختار اقتصاد کشور که دارای وابستگی زیادی به واردات به‌خصوص واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌باشد ارتباط تنگاتنگی بین بازار ارز (نرخ ارز) و متغیرهای مهم اقتصادی صادرات، واردات و تولید کشور وجود دارد لذا تأثیرپذیری اقتصاد کشور از وضعیت بازار ارز امری است که نمی‌توان در وجود آن تردید داشت.

۱. اولین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی، پژوهشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۹۱)

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۸۳

در سوی دیگر با بررسی بازار ارز کشور، قابل ریشه‌یابی است که چه نواقصی در بازار ارز وجود داشته است که در کنار سایر عوامل، باعث بروز بحران در بازار ارز کشور شدند.

در این مقاله بدنبال آن هستیم که ضمن معرفی مفهوم اقتصاد مقاومتی و بررسی نواقص بازار ارز کشور، به بررسی رابطه بین نرخ ارز با مقتضیات صادرات، واردات و تولید پرداخته و نهایتاً در چارچوب الگوی اقتصاد مقاومتی و با توجه به نتایج تحلیل‌های مربوط به ارتباط بین نرخ ارز با متغیرهای حساس کلان کشور یعنی صادرات، واردات و تولید به معرفی و پیشنهاد نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران پردازیم. این نظام ارزی باید دارای چنان ویژگی‌هایی باشد که اولاً نواقص نظام ارزی فعلی را نداشته و ثانیاً قابلیت انعطاف‌پذیری در مقابل شوک‌های وارده به آن مثل تحریم‌ها را داشته باشد و در شرایط مشابه در برابر شوک‌های وارده دچار بحران نشده و اقتصاد کشور را دچار بحران نکند. نکته‌ای که در تحلیل نبایستی از آن غافل شد و به‌نوعی نوآوری مقاله به‌شمار می‌رود این است که تحلیل ارز در مقاله حاضر به این صورت است که بسترهای ساختاری، اجتماعی و نهادی اقتصاد که از عوامل مهم مؤثر بر وضعیت بازار ارز هستند مد نظر قرار گرفته‌اند و اینطور نیست که همانند بسیاری از مطالعات، عوامل ساختاری، نهادی و تعاملات بین‌بخشی بصورت مطلوب و باثبات فرض شده و اثر متغیرهای صادرات، واردات و تولید بر نرخ ارز بصورت موضعی و انفعالی بررسی شوند.

ساختار مقاله در ادامه به این صورت می‌باشد که در ابتدا پیشینه تحقیق بیان گردیده و در ادامه ضمن بیان مبانی نظری و معرفی مدل‌های تحقیق، به آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود کشور پرداخته می‌شود. بررسی رابطه بین نرخ ارز با متغیرهای کلان اقتصادی کشور بخش بعدی مقاله بوده و سپس به پیروی از دو بخش قبلی مقاله به معرفی نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود. در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله بیان می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به هدف مقاله، هیچ مطالعه داخلی و خارجی وجود ندارد که بطور مستقیم به موضوع مورد بحث این مقاله بپردازد اما برخی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع مقاله وجود دارند که در ادامه به چند مورد از این مطالعات اشاره می‌شود.

شاکری (۱۳۸۳) در مطالعه خود به بررسی نقش عوامل تأثیرگذار قیمتی و غیرقیمتی بر صادرات غیرنفتی ایران پرداخته است. نتایج برآورد مدل که با استفاده از تکنیک^۱ ARDL انجام پذیرفته نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی بطور اساسی به وضعیت متغیرهای بهره‌وری و رقابت‌پذیری وابسته بوده اما متغیر قیمتی نرخ ارز اگرچه دارای تأثیر مثبت بر صادرات است اما این تأثیر قابل ملاحظه نمی‌باشد.

کميجانی و نادعلی (۱۳۸۴) در مطالعه خود به بحث در مورد انتخاب نظام ارزی مناسب برای اقتصاد ایران پرداخته‌اند. ایشان در مطالعه خود این فرضیه را آزمون کرده‌اند که «با هدف ترکیبی ایجاد ثبات نسبی در تولید و قیمت، اتخاذ نظام شناور مدیریت‌شده، نظام ارزی مناسب برای اقتصاد ایران خواهد بود». نتایج برآورد مدل نظری کلان اقتصادی- از نوع مدل ماندل- فلیننگ- که با روش 3SLS و برای دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۵۳ بوده است، نشان می‌دهد که نظام شناور مدیریت‌شده ارز از نظر سازگاری نظری، قدرت توضیح‌دهندگی و شبیه‌سازی درون‌نمونه‌ای مطلوب می‌باشد.

پهلوانی، دهمرده و حسینی (۱۳۸۶) در مطالعه خود به تخمین توابع تقاضای واردات و صادرات در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۵ پرداخته و از تکنیک ARDL استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ ارز دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر تقاضای واردات ایران است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که در صورت افزایش نرخ ارز تراز تجاری (بدون نفت) در ایران قابل بهبود است.

توکلی و سیاح (۱۳۸۹) در مطالعه خود به بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی کشور پرداخته‌اند. مدل مورد برآورد در این مقاله مدل معادلات همزمان بوده و برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶ انجام پذیرفته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز دارای تأثیر منفی چشم‌گیری بر صادرات غیرنفتی می‌باشد.

فرنکل و آیزمن (۱۹۸۲)^۲ در مقاله خود به بررسی جنبه‌های مختلف مدیریت نرخ‌های بهینه ارز پرداخته‌اند. این دو نشان دادند که انتخاب رژیم نرخ ارز بهینه وابسته به شوک‌های تصادفی مؤثر بر اقتصاد است. واریانس بیشتر شوک‌های واقعی همراه با تمایل بیشتر به ثبات نرخ ارز خواهد بود.

1. Auto-Regressive Distributed Lag (ARDL)

2. Jacob A. Frenkel, Joshua Aizenman

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۸۵

ادواردز (۱۹۸۵) در مطالعه خود به بررسی اثرگذاری شوک‌های پولی، عوامل مالی، تغییرات تجاری و کاهش ارزش پول ملی بر تولید حقیقی پرداخته است. نتایج تحقیق که برای ۱۲ کشور در حال توسعه و به کمک تجزیه واریانس صورت گرفته است نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت افزایش نرخ ارز باعث کاهش تولید کل شده و بعد از یکسال این اثر گسترده‌تر است. در بلندمدت نیز افزایش نرخ ارز تأثیری بر تولید ندارد.

گوموندسون، پترسون و سیقواتسون (۲۰۰۰)^۱ در مطالعه خود به بررسی سیاست نرخ ارز بهینه برای اقتصاد ایسلند پرداخته‌اند. ایشان در مقاله خود از یکسو به بررسی ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایسلند و از سوی دیگر به بررسی لنگر اسمی معتبر برای سیاست پولی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایسلند حامل رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر می‌باشد.

اسکویی و گوسواوی (۲۰۰۴) در مطالعه خود به برآورد توابع تقاضا برای صادرات و واردات ۲۸ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداخته و هدف مقاله آنها نیز بررسی فرآیند تطبیق جریان‌ات تجاری بر نرخ ارز مؤثر اسمی و قیمت‌های نسبی و سرعت تأثیرگذاری متغیرها بوده است.

کالیونسو، آرتان و تزکیسی (۲۰۰۸) در مطالعه خود با عنوان کاهش ارزش پول و رشد تولید به بررسی تأثیر سیاست کاهش ارزش پول بر سطح تولید در ۲۳ کشور OECD پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه که با استفاده از آزمون همگرایی صورت گرفته نشان می‌دهد که فقط در ۹ کشور عضو OECD رشد تولید از سیاست کاهش ارزش پول تأثیر می‌پذیرد که تأثیر این سیاست در ۶ کشور منفی و در ۳ کشور مثبت است.

ژانگ، شی و ژانگ (۲۰۱۱)^۲ در مطالعه خود به بررسی رژیم نرخ ارز جدیدی برای چین و همچنین سبب ارزی بهینه و یا تنوع ارزی برای چین پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساماندهی سبب ارزی با تنوعی از ارزها هم امکان‌پذیر بوده و هم قابل توصیه است ضمن اینکه سبب ارزی می‌تواند شامل دلار، یورو و ین ژاپن باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهند که این پتانسیل در مورد اقتصاد چین وجود دارد که علیرغم بکارگیری تنوع ارزی، با هیچ‌گونه تأثیرپذیری در موقعیت دلار مواجه نشود.

1. Guomundsson, Petursson and Sighvatsson (2000)

2. Zhang, Z., Shi, N. and Zhang, X. (2011)

۳. مبانی نظری، تصریح مدل و داده‌ها

اگر بخواهیم تعریفی از اقتصاد مقاومتی بیان کنیم در یک تعریف کوتاه، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که تهدیدهای اقتصادی را به فرصت‌های اقتصادی تبدیل کند.^۱ در تعریف دیگر که بی‌ارتباط با تعریف اول نیست، اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی است که آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در برابر ریسک‌های متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی بحث نظری جدیدی نبوده بلکه بحث مدیریتی جدیدی است که هر کشوری با توجه به وضعیت و مشکلات اقتصاد خود باید اتخاذ کرده و بکار بگیرد.^۲ در این راستا بایستی قوانین و تدابیر اجرایی لازم بکار گرفته شود تا خطرپذیری اقتصاد ایران را در برابر تکانه‌ها و اختلال‌های آسیب‌زننده داخلی و خارجی به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی به حداقل رسانده و زمینه را برای دستیابی ایران به پیشرفت‌های پایدار اقتصادی فراهم کرد. البته بایستی اشاره کرد که بحث اقتصاد مقاومتی دارای ابعاد گسترده‌ای است اما با توجه به هدف مقاله حاضر، اقتصاد مقاومتی را تنها از بُعد ارز و بازار ارز بررسی کرده و مد نظر قرار می‌دهیم.^۳

با توجه به تعریف فوق‌الاشاره بدیهی است که باید ساختار نظام ارزی کشور به گونه‌ای باشد تا بتواند تهدیدات وارده بر اقتصاد کشور به‌خصوص در زمینه ارز را (که مورد تأکید مقاله حاضر است) به فرصت تبدیل کرده و بتواند اقتصاد کشور را در مواجهه با تهدیدات مدیریت کرده و با بحران مواجه نکند. از اینرو بایستی بتوان نظام ارزی متناسب با ویژگی‌ها و ساختار اقتصاد ایران که در عین حال با چارچوب اقتصاد مقاومتی نیز سازگار بوده و بتواند تبدیل‌کننده تهدیدات به فرصت‌ها باشد را معرفی کرد. برای پیشنهاد نظام ارزی مطلوب، از یکسو به آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود پرداخته و از سوی دیگر به بررسی و تحلیل رابطه بین نرخ ارز با متغیرهای صادرات، واردات و تولید کشور می‌پردازیم و نهایتاً به کمک نتایج حاصله در صدد نیل به هدف مقاله هستیم. البته برای اینکه بتوان به نتایج مربوط به رابطه بین نرخ ارز با صادرات، واردات و تولید اتکاء کرده و در کنار بحث آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود، نظام ارزی مطلوبی معرفی کرد، بسترهای

۱. گزارش مربوط به اولین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی، پژوهشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، صفحه ۹.

۲. گزارش مربوط به دومین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی، پژوهشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، صفحه

۳. برای جزئیات بیشتر در مورد مفهوم اقتصاد مقاومتی و ابعاد مختلف آن در ارتباط با اقتصاد ایران به گزارش مربوط به اولین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی، پژوهشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» مراجعه گردد.

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۸۷

ساختاری و نهادی تأثیرگذار در بازار ارز کشور نیز بایستی مد نظر قرار بگیرند که در این مقاله مد نظر می‌باشند.

با بکارگیری مدل‌های اقتصادی، به بررسی تأثیرگذاری نرخ ارز بر صادرات (صادرات غیرنفتی)، واردات و تولید کشور پرداخته و از نتایج این مدل‌ها در مورد نظام ارزی مطلوب بحث خواهیم کرد.

همانطور که می‌دانیم متغیرهای مؤثر بر صادرات غیرنفتی به دو دسته متغیرهای قیمتی و متغیرهای غیرقیمتی تقسیم می‌شوند. در کشورهای با ساختار قوی تولیدی، دانش فنی و بهره‌وری بالا و رقابت‌پذیری انعطاف‌پذیر متغیرهای قیمتی وظیفه علامت‌دهی کارآ را به‌خوبی انجام داده و لذا تابع صادرات غیرنفتی نیز عمدتاً براساس متغیرهای قیمتی توصیف می‌شوند اما در کشورهایی مثل ایران که ساختار تولیدی ضعیف بوده و مفاهیمی همانند کیفیت، دانش فنی، نوآوری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری نهادینه نشده‌اند، در نظر گرفتن برخی متغیرهای حقیقی مبنایی مانند بهره‌وری در توصیف رابطه تابعی صادرات غیرنفتی ضروری و لازم باشد. در مقاله حاضر به علت وجود موانع ساختاری فراوان در بخش حقیقی اقتصاد ایران، بر نقش عوامل حقیقی همچون بهره‌وری و رقابت‌پذیری در کنار عوامل قیمتی مؤثر بر صادرات غیرنفتی تأکید می‌کنیم. علت این تأکید در این است که مدل‌های مورد استفاده برای اقتصاد ایران که در آنها بر متغیرهای حقیقی تأکید نشده باشد نمی‌توانند انعکاس صحیحی از عوامل مؤثر بر صادرات به‌خصوص صادرات غیرنفتی که مورد تأکید این مقاله می‌باشد، ارائه دهند.

در تحلیل‌های اقتصاد کلان عمدتاً صادرات تابعی از نرخ ارز، قیمت‌های داخلی و درآمد خارجی در نظر گرفته می‌شود اما در مورد کشور ایران که بهره‌وری و رقابت‌پذیری نهادینه نبوده و صادرات در گرو تأمین حداقل رقابت‌پذیری است به نظر می‌رسد که به خاطر اهمیت بیشتر طرف عرضه، درآمد خارجی تأثیر چندانی بر صادرات ایران نخواهد داشت لذا صادرات غیرنفتی را تابعی از نرخ ارز، بهره‌وری و رقابت‌پذیری در نظر می‌گیریم. شکل تابع صادرات غیرنفتی بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Exp = f(RER, Pr o, Compe) \quad (1)$$

که در آن Exp ارزش صادرات غیرنفتی، RER نرخ ارز حقیقی، Pro بهره‌وری و $Compe$ شاخص رقابت‌پذیری است.^۱ بکارگیری نرخ ارز حقیقی دارای این مزیت است که هم تورم داخلی و هم تورم خارجی را در نظر گرفته و بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$RER = ExcR \frac{P^f}{P} \quad (2)$$

که در آن P^f شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشورهای OECD، P شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران و $ExcR$ نرخ ارز اسمی ایران است.

معادله (۳) که سازگار با مدل اسکویی و گوسوای (۲۰۰۴)^۲ می‌باشد، تابع مربوط به واردات کل کشور^۳ است. با توجه به اینکه معمولاً معادله واردات در همه اقتصادها بصورت تابعی از تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز خلاصه می‌شود لذا تابع واردات به صورت رابطه (۳) است که تابعی از نرخ ارز اسمی کشور و تولید ناخالص داخلی است.

$$\ln(\text{Imp}) = \beta_0 + \beta_1 \ln(\text{ExcR}) + \beta_2 \ln(\text{GDP}) + U_t \quad (3)$$

که در آن Imp ارزش واردات کل، GDP تولید ناخالص داخلی کشور و ExcR نرخ ارز اسمی می‌باشد. چون معادله بصورت لگاریتمی است لذا ضرایب متغیرها نشان‌دهنده کشش می‌باشند که باعث سهولت تحلیل می‌شود.

معادله (۴) نشان‌دهنده رابطه بین تولید ناخالص داخلی با نرخ حقیقی ارز و سایر متغیرهای مؤثر بر GDP است. این رابطه به تبعیت از مطالعه ادواردز (۱۹۸۵)^۴ (که حالت گسترش یافته مدل خان و نایت (۱۹۸۱)^۵ است) نوشته شده که وی در مطالعه خود به بررسی رابطه بین ارزش پول ملی در ۱۲ کشور در حال توسعه با تولید ناخالص داخلی پرداخته است.

$$\ln(\text{GDP}) = \beta_1 + \beta_2 \ln(\text{RER}) + \beta_3 \ln(\text{GovE}) + \beta_4 \ln(\text{M}) + U_t \quad (4)$$

در این رابطه، M حجم نقدینگی، GovE نشان‌دهنده مخارج دولتی و RER نرخ حقیقی ارز است. نرخ حقیقی ارز دارای رابطه‌ای مشابه رابطه (۲) می‌باشد. ضرایب متغیرها در رابطه (۴) نیز نشان‌دهنده کشش می‌باشند.

۱. شاکری (۱۳۸۳)

2. Oskoe, M. and Goswami, G. (2004)

۳. می‌دانیم که واردات کشور به سه دسته واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی تقسیم می‌شود که واردات کل شامل هر سه می‌باشد.

4. Edwards, S. (1985)

5. Khan and Knight (1981)

لازم به اشاره است که داده‌های مورد نیاز برای برآورد مدل‌های مورد بررسی از بانک داده‌های سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وبسایت گمرک ج.ا. ایران، وبسایت بانک جهانی و نماگرهای مختلف بانک مرکزی ج.ا. ایران گرفته شده‌اند.

۴. آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود کشور

منظور از نظام ارزی عبارت از سازوکار تعیین نرخ ارز بواسطه نیروهای عرضه و تقاضای بازار است یعنی نظام ارزی با وجود بازار عمیق و رقابتی ارز مترادف است لذا نظام ارزی در کشوری وجود خواهد داشت که عوامل بسیار زیاد در طرف عرضه و تقاضای بازار اقدام به عرضه و تقاضای ارز کرده و تعداد آنها به اندازه‌ای باشد تا تغییر رفتار یک یا چند عامل وضعیت بازار ارز را تحت تأثیر قرار ندهد. لذا بدیهی است کشوری می‌تواند دارای نظام ارزی باشد که در آن منشأ ارزآوری اقتصاد کشور متنوع بوده و صادرات طیف قابل ملاحظه‌ای از کالاها را شامل شود و در طرف تقاضا هم عوامل فراوان ارز تقاضا کنند^۱. مسلماً تعامل نیروهای عرضه و تقاضا در چنین بازاری منجر به شکل‌گیری نظام ارزی شده که در آن قیمت ارز بطور درون‌زا تعیین می‌شود. نظام‌های ارزی در کل بر دو نوع نظام ارزی شناور و نظام ارزی ثابت تقسیم می‌شوند که البته طیفی از ترکیب‌های این وضعیت هم وجود دارد مثل نظام ارزی شناور مدیریت شده، نظام ارزی شناور تعدیل شده، نظام ارزی میخکوب خزننده، نظام ارزی میخکوب با تعدیلات جزئی و نظایر آن. در نظام ارزی شناور، نرخ ارز توسط نیروهای عرضه و تقاضای بازار و بدون مداخله مقامات پولی و دولت تعیین می‌گردد در حالیکه در نظام ارزی ثابت، نرخ ثابتی برای ارز که نرخ ارز هدف می‌باشد در نظر گرفته شده و این نرخ بواسطه دخالت مقامات پولی و دولت (تعدیل عرضه و تقاضای ارز در بازار ارز) حفظ می‌شود.

در رابطه با اولین ایراد بازار ارز کشور لازم به ذکر است که، گفته می‌شود در اقتصاد ایران نرخ ارز به روش شناور مدیریت شده تعیین می‌شود یعنی سازوکار بازار است که نرخ ارز را تعیین کرده و بانک مرکزی هم تا حدی آن را مدیریت می‌کند و از بی‌ثباتی آن جلوگیری می‌کند، اما رشد پایه پولی از ناحیه ذخایر ارزی در ۱۰ سال گذشته بطور کامل این ادعا را تأیید نکرده و به نظر می‌رسد که تغییرات نرخ ارز بیشتر از الگوی تثبیتی در قیاس با نظام شناور مدیریت شده تبعیت کرده است.

۱. با عنایت به این مباحث می‌توان ادعا کرد که در اقتصاد ایران، نظام ارزی وجود ندارد.

ایراد دیگری که در نظام ارزی اقتصاد ایران وجود دارد این است که بخش عمده‌ای از عرضه ارز در بازار ارز کشور بطور انحصاری در اختیار دولت بوده و با توجه به وضعیت ارزآوری ناشی از فروش نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌های پتروشیمی بر نرخ ارز تأثیر می‌گذارد. لذا اگر شرایطی به وجود بیاید که مثلاً باعث کاهش قیمت نفت یا باعث کاهش مقدار تولید و فروش نفت (مثل تحریم خرید نفت) و یا هر دو شود، در نهایت درآمد ارزی دولت کاهش یافته و بازار ارز تحت تأثیر قرار خواهد داد. علاوه بر دو ایراد ذکر شده، ایرادات دیگری از قبیل تأمین ارز برای واردات کالاها از ارز نفتی؛ وابستگی منابع بودجه‌ای دولت به ارز نفتی؛ تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی؛ سوداگری‌های موجود در بازار ارز؛ حجم بالای نقدینگی در اقتصاد ایران نیز وجود دارند که می‌توانند باعث ایجاد نوسانات و بی‌ثباتی در بازار ارز ایران شوند.

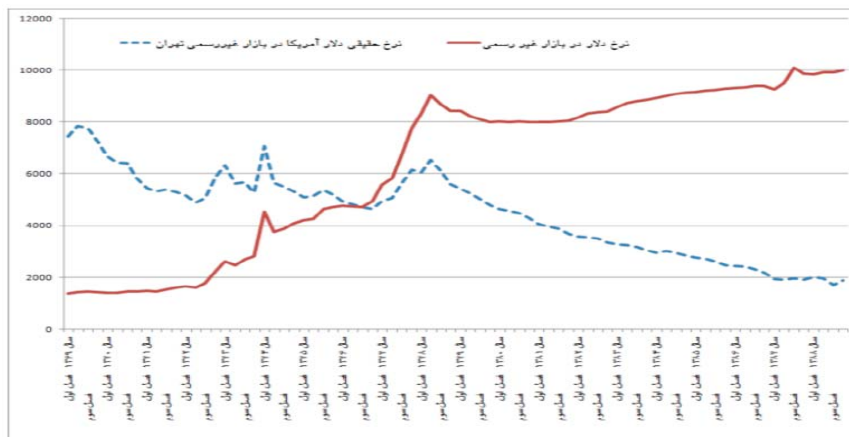
در بررسی نظام ارزی موجود کشور دو دیدگاه مختلف قابل بیان است که دیدگاه اول مدافع افزایش نرخ ارز متناسب با تورم و دیدگاه دوم مدافع تثبیت نرخ ارز می‌باشد. استدلال مربوط به دیدگاه اول این است که نرخ حقیقی ارز در کشور طی زمان کاهش یافته^۱ (نمودار ۱) بطوریکه باعث کاهش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی و گسترش واردات شده است. البته نباید فراموش کرد که تولید داخل نیز به دلیل پایین بودن بهره‌وری و سایر معضلات قادر به رقابت با محصولات خارجی نبوده و همین روند باعث نابودی نسبی صنایع داخلی شده است؛ لذا شاید بتوان ادعا کرد که در راستای حمایت از تولید داخل و با توجه به بزرگتر بودن نرخ تورم داخلی نسبت به نرخ تورم جهانی^۲ چاره‌ای جز جبران زیان نرخ ارز برای تولید داخل به میزان اختلاف تورم داخلی و تورم جهانی نبوده است اما خود این راه‌حل نیز به سختی قابلیت اجرایی داشته است چرا که رشد تورم داخلی نسبت به تورم جهانی بسیار بزرگتر از آن بوده است که بتوان نرخ ارز را نیز به همان نسبت افزایش داد.^۳ لذا شاید بتوان گفت که راه‌حل بهتر این بود که سیاست‌هایی ضدتورمی اتخاذ می‌شد.

۱. علیرغم افزایش تدریجی نرخ ارز اسمی در چندین سال اخیر، با توجه به رشد بیشتر نرخ تورم نسبت به نرخ اسمی ارز شاهد کاهش تدریجی نرخ حقیقی ارز در اقتصاد کشور هستیم.

۲. برای جزئیات بیشتر به عزیزنژاد (۱۳۹۰) مراجعه گردد.

۳. افزایش نرخ ارز باعث ایجاد معضل دیگری بنام تورم وارداتی است چراکه سهم بزرگی از ارزش واردات کشور، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌باشد. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۷ حدود ۸۴ درصد ارزش واردات کشور مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است (سازمان توسعه تجارت).

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۹۱



نمودار ۱. روند نرخ اسمی و حقیقی دلار ۱۳۸۸-۱۳۶۹

مأخذ: بانک داده‌های سری زمانی بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

استدلال مربوط به دیدگاه دوم در دو بخش قابل بیان است. از یکسو دولت‌های مختلف در ایران تعیین نرخ ارز را منوط به تعادل بودجه خود قرار داده و بحث صادرات و واردات را در درجه دوم اهمیت قرار داده‌اند لذا طبیعی است که تمایل به گرانتر فروختن ارز داشته‌اند چرا که بزرگترین عرضه‌کننده انحصاری ارز در بازار می‌باشند. از سوی دیگر همانطور که قبلاً نیز اشاره شد بخش بزرگی از واردات کشور واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است لذا افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شده و نهایتاً باعث افزایش هزینه تولید داخلی و کاهش قدرت رقابت محصولات داخلی شده است. لذا با عنایت به این نکات، دیدگاه دوم حامی کاهش و یا ثبات نرخ ارز است. حال بحثی که پیش می‌آید این است که حتی با وجود باثبات بودن نرخ ارز، با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت‌های داخلی شاهد کاهش نرخ حقیقی ارز بوده و لذا مشکلات مطرح در دیدگاه اول وجود داشته‌اند. لذا همانطور که در بالا نیز اشاره شد، می‌توان اینطور عنوان کرد که راه‌حل بهتر این بود که سیاست‌هایی ضدتورمی اتخاذ می‌شد. در نهایت بایستی اشاره کرد که چنانچه خالص اثر ناشی از افزایش نرخ ارز برای اقتصاد کشور مفید باشد، نباید به‌صرف افزایش هزینه تولید در داخل کشور از افزایش نرخ ارز جلوگیری کرد.

۱. افزایش نرخ ارز دارای دو اثر مستقیم و غیرمستقیم بر صادرات و واردات است. اثر مستقیم از یکسو شامل افزایش درآمد صادرکنندگان و از سوی دیگر شامل افزایش قدرت رقابت آن دسته از کالاهای تولید داخل است که رقیب وارداتی دارند. اثر

۵. نتایج تجربی

در این بخش از مقاله نتایج حاصل از برآورد مدل‌های معرفی شده در بخش سوم مقاله را مورد تحلیل قرار داده و سپس در بخش بعدی مقاله، با استفاده از این نتایج همراه با مباحث مطرح شده در بخش چهارم مقاله، در پی معرفی و پیشنهاد نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی خواهیم بود.

۵-۱. رابطه نرخ ارز با صادرات غیرنفتی

همانطور که از تئوری اقتصاد کلان می‌دانیم یکی از مؤثرترین متغیرها بر صادرات هر کشوری متغیر قیمتی نرخ ارز می‌باشد لذا در این بخش می‌خواهیم نشان دهیم که آیا افزایش نرخ ارز به تنهایی می‌تواند صادرات غیرنفتی را تحریک کرده و شتاب ببخشد یا بایستی به لحاظ ساختاری و نهادی نیز شاهد بهبود در اقتصاد کشور باشیم. پاسخ این سؤال کمک شایانی به معرفی نظام ارزی مطلوب خواهد کرد. برای این منظور از معادله (۱) که در بخش سوم مقاله بیان گردید به عنوان مدل صادرات غیرنفتی ایران استفاده می‌شود. در رابطه مذکور علاوه بر متغیر قیمتی نرخ ارز، از دو متغیر غیرقیمتی بهره‌وری و رقابت‌پذیری نیز استفاده شده است. در رابطه (۱)، Exp نشان‌دهنده صادرات غیرنفتی ایران، RER نشان‌دهنده نرخ حقیقی ارز، Pro نشان‌دهنده بهره‌وری نیروی کار و $Compe$ نشان‌دهنده شاخص رقابت‌پذیری است که از نسبت صادرات ایران به جهان به عنوان شاخص رقابت‌پذیری استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل (۱) که به روش $ARDL$ برآورد شده در جدول (۱) نشان داده شده‌اند. با توجه به عدم دسترسی به داده‌های جدید، از داده‌های فصلی برای دوره زمانی ۱۳۷۱-۱۳۸۷ استفاده شده است. لازم به ذکر است که در خروجی نرم‌افزار، وقفه بهینه با توجه به معیار شوارتز-بیزین معادل ۱ بوده است.

جدول ۱. نتایج برآورد مدل صادرات غیرنفتی ایران

متغیر	ضریب	آماره t
C	۳/۱۵	۴/۲۴
$LExp(-1)$	۰/۹۱	۱۷/۶۵
LRER	۰/۰۶۳	۲/۶۵

غیرمستقیم شامل افزایش قیمت نهاده‌های وارداتی است که به عنوان نهاده واسطه‌ای یا سرمایه‌ای در تولید داخل بکار گرفته می‌شوند.

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۹۳

متغیر	ضریب	آماره t
LPro	۰/۱۱۱	۱/۸۱
LPro(-۱)	۰/۱۵	۲/۶۵
LCompe	۰/۹۵۷	۱۶/۶۵
LCopme(-۱)	-۰/۷۶۱۳	-۸/۳۴
R ^۲ =۰/۹۸		DW=۲/۰۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

طبق جدول (۱) مشخص است که ضریب نرخ حقیقی ارز (۰/۰۶۳) معنی دار بوده اما تأثیر گذاری این متغیر بر صادرات غیرنفتی محدود است اما ضرایب متغیرهای بهره‌وری و رقابت پذیری معنی دار بوده و تأثیر گذاری قابل ملاحظه تری نسبت به نرخ حقیقی ارز بر صادرات غیرنفتی دارند. نکته‌ای که باید قبل از تحلیل نتایج مورد توجه قرار گیرد این است که آیا هم‌جمعی بین متغیرها در معادله برآورد شده وجود دارد؟ برای آزمون هم‌جمعی از آماره متغیر وابسته و S_i نشان‌دهنده انحراف معیار ضرایب با وقفه متغیر وابسته می‌باشند. با محاسبه آماره $t = \left(\sum_{i=1}^n \alpha_i - 1 \right) / \sum_{i=1}^n s_i$ استفاده می‌کنیم که در آن α_i نشان‌دهنده ضرایب متغیرهای با وقفه مقدار آن برابر با $-۴/۵۴۳$ بدست آمد که قدرمطلق آن در مقایسه با مقدار بحرانی متناظر (که توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲)^۱) که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رقمی برابر با $-۳/۸۲$ می‌باشد، بزرگتر بوده لذا هم‌جمعی (رابطه بلندمدت) بین متغیرها وجود دارد. جدول (۲) نتایج مربوط به برآورد مدل بلندمدت صادرات غیرنفتی و همچنین مدل ECM را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج برآورد مدل بلندمدت و مدل ECM

مدل بلندمدت		
متغیر	ضریب	آماره t
C	۲۴/۰۱	۳/۶۴
LRER	۰/۴۷۵	۴/۵۶
LPro	۲/۰۲	۲/۴۷
LCompe	۱/۶۱	۷/۸۴

1. Banerjee, Dolado and Mestre (1992)

مدل بلندمدت		
متغیر	ضریب	آماره t
مدل ECM		
متغیر	ضریب	آماره t
dC	۱/۱۸۴۳	۳/۲۰
dLRER	۰/۰۵۸۱	۲/۳۹
dLPro	۰/۱۲۱	۱/۸۳
dLCompe	۰/۹۸۱۲	۱۸/۶۵
ECM(-۱)	-۰/۱۳۱	-۲/۷۶
DW=۲/۱۸		R ^۲ =۰/۹۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که در بلندمدت ضریب هر سه متغیر نرخ حقیقی ارز، بهره‌وری نیروی کار و رقابت‌پذیری بر صادرات غیرنفتی معنی‌دار بوده اما میزان اثرگذاری متغیرهای بهره‌وری و رقابت‌پذیری نسبت به نرخ حقیقی ارز قابل ملاحظه‌تر است. در مدل ECM نیز ضریب جمله تصحیح خطا معنی‌دار بوده و دارای علامت مورد انتظار (منفی) است و این ضریب نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت است. با توجه به نتایج موجود در جداول (۱) و (۲) مهم‌ترین راهکار صادرات غیرنفتی شتاب بخشیدن به بهره‌وری و ارتقاء رقابت‌پذیری است. لذا توسل صرف به افزایش نرخ اسمی ارز برای گسترش صادرات توجیه‌پذیر نبوده و باید از طریق بهبود وضعیت دو متغیر دیگر، به تنوع در کالاهای صادراتی دست بیابیم تا بواسطه آن بتوانیم کمکی به شکل‌گیری نظام مطلوب ارزی در اقتصاد کشور بکنیم.

۲-۵. رابطه نرخ ارز با واردات

یکی از مؤثرترین متغیرهایی که در تنوع اقتصادی کلان بر واردات هر کشوری مؤثر می‌باشد متغیر قیمتی نرخ ارز است لذا در این بخش بدنبال بررسی نحوه تأثیرگذاری نرخ ارز بر واردات کل اقتصاد ایران هستیم. برای این منظور مدل مربوط به واردات کل کشور (مدل (۳)) را برآورد می‌کنیم. نتایج حاصل از برآورد مدل (۳) که برای دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۴۳ انجام شده است در جدول (۳) آورده شده‌اند.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل واردات کل اقتصاد ایران

متغیر	ضریب	آماره t
C	-۰/۶۵	-۱/۹۳
LGDP	۱/۸۵	۷/۶۵
LExcR	-۰/۶۵۴۳	-۳/۹۴
MA(۱)	۰/۵۱۳۲	۳/۴۷۸۱
$R^2 = ۰/۷۹$		

مأخذ: محاسبات تحقیق

ضرایب مدل (۳) نشان‌دهنده کشش هستند چرا که متغیرها بصورت لگاریتمی آورده شده‌اند. همانطور که از جدول (۳) مشاهده می‌شود ضریب هر دو متغیر تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز معنی‌دار هستند اما درجه اثر‌گذاری نرخ ارز بر واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی ضعیف‌تر است. ضریب ۱/۸۵ برای تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی باکشش است اما ضریب -۰/۶۵ برای نرخ ارز نشان می‌دهد که اولاً رابطه بین نرخ ارز با واردات کل منفی است و ثانیاً واردات کل نسبت به نرخ ارز کشش‌ناپذیر است (یعنی افزایش ۱ درصدی در نرخ ارز تنها باعث کاهش ۰/۶۵ درصدی در واردات کل می‌شود) که جانشینی ضعیف تولید داخلی با تولیدات خارجی، وابستگی اقتصاد به واردات و توانایی ضعیف تولیدات داخلی در رقابت با کالاهای وارداتی را نشان می‌دهد. این وابستگی شدید به واردات را نمی‌توان با افزایش نرخ ارز جبران کرد چراکه بایستی قبل از آن مقدمات فنی و ساختاری جایگزین کردن واردات با محصولات داخلی فراهم شود لذا این وابستگی به واردات بایستی بواسطه ارتقاء کیفیت کالاهای داخلی (که البته فرایندی بلندمدت است) کاهش یابد.

۳-۵. رابطه نرخ ارز با تولید

جای تردید نیست که در ارزیابی آثار هر سیاست اقتصادی، بررسی تأثیر آن سیاست بر تولید معیار مهمی به حساب می‌آید از این رو بررسی نحوه تأثیر‌گذاری تغییرات نرخ ارز بر تولید حائز اهمیت بوده و از این قاعده مستثنی نیست. در مورد نحوه تأثیر‌گذاری تغییر نرخ ارز بر تولید به دو گونه می‌توان بحث کرد. (الف) افزایش نرخ ارز باعث افزایش سود تولیدکنندگان کالاهای صادراتی (از طریق دریافت درآمد ریالی بیشتر) و تولیدکنندگان کالاهای غیرصادراتی شده و نهایتاً باعث

افزایش تولید می‌شود، (ب) افزایش نرخ ارز باعث محدودیت تولید شده یا از افزایش قابل ملاحظه آن جلوگیری می‌کند چراکه بخش بزرگی از تولید داخلی (به قصد صادرات) و تولید داخلی (به قصد غیر صادرات) وابسته به نهاده‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی می‌باشند. با عنایت این بحث، در این بخش از مقاله با استفاده از مدل VAR(VECM) تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید در اقتصاد ایران را به واسطه مدل (۴) و برای دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۵۷ بررسی می‌کنیم.

نتایج آزمون ریشه واحد که در جدول (۴) آورده شده‌اند نشان می‌دهند که لگاریتم همه متغیرهای مدل (شامل تولید ناخالص داخلی، نرخ حقیقی ارز، مخارج دولتی و حجم نقدینگی) در سطح نامانا بوده اما تفاضل مرتبه اول آنها در سطح مانا است.

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد

نتایج	آزمون ADF		متغیر
	احتمال	آماره t	
I(1)	۰/۹۶	-۰/۸۲۳۱	LGDP
I(1)	۰/۰۸۳۱	-۲/۸۳۶۵	LRER
I(1)	۰/۹۹۷۴	۱/۷۶۳۱	LGovE
I(1)	۰/۹۸۵۶	۰/۵۴۹۱	LM
I(0)	۰/۰۰۸۱	-۳/۶۷۴۳	dLGDP
I(0)	۰/۰۰۷۷	-۴/۶۵۴۸	dLRER
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۷/۴۹۶۷	dLGovE
I(0)	۰/۰۰۰۶	-۳/۸۷۴۵	dLM

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به اینکه لگاریتم هر چهار متغیر I(1) است لذا بایستی به کمک آزمون هم‌جمعی جوهانسون^۱ بررسی کرد که آیا بردار هم‌جمعی (رابطه بلندمدت) بین متغیرهای I(1) وجود دارد یا نه؟ نتایج مربوط به هر دو آزمون تریس^۲ و حداکثر مقادیر ویژه^۳ (جدول (۵)) حاکی از وجود یک

1. Johanson
2. Trace Test
3. Maximum Eigenvalue Test

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۹۷

بردار هم جمعی بین متغیرها می باشد چراکه طبق هر دو آزمون، تنها در $I=1$ «آماره آزمون» از «مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد» بزرگتر است.

جدول ۵. نتایج آزمون هم جمعی جوهانسون

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد
Trace Test			
$r=0$	$r=1$	۶۴/۳۴	۴۹/۷۴
$r<1$	$r=2$	۲۴/۴۳	۳۱/۴۳
$r<2$	$r=3$	۷/۵۱	۱۷/۸۵
Maximum Eigenvalue Test			
$r=0$	$r=1$	۴۴/۷۶	۲۶/۴۳۹۷
$r<1$	$r=2$	۱۶/۴۰۲	۲۲/۳۱۲
$r<2$	$r=3$	۵/۸۵۱	۱۶/۴۳۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به اینکه تنها یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل وجود دارد لذا جدول (۶) نشان دهنده نتایج برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل به روش جوهانسون با فرض $I=1$ است. می دانیم که ضرایب آورده شده در جدول (۶) کشش می باشند از این رو کشش تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به تغییرات نرخ حقیقی ارز برابر با ۰/۱۷ می باشد لذا مشخص است که تولید ناخالص داخلی نسبت به تغییرات نرخ حقیقی ارز کم کشش بوده و با یک درصد افزایش در نرخ حقیقی ارز، تولید ناخالص داخلی ۰/۱۷ درصد کاهش می یابد. این نتیجه با حالت (ب) که در شروع بخش (۳-۵) مقاله بحث شد سازگار بوده و نشان می دهد که افزایش نرخ ارز باعث کاهش تولید شده است.

جدول ۶. برآورد رابطه تعادلی بلندمدت

$$\ln(GDP) = -0.173 \ln(RER) + 0.078 \ln(GovE) + 0.013 \ln(M)$$

$$ECT = -0.462$$

لذا افزایش نرخ ارز به قصد افزایش تولید آنچنان تأثیرگذار نخواهد بود چراکه از یکسو کشش تولید نسبت به نرخ ارز پایین است و از سوی دیگر تولید داخل به نهاده‌های وارداتی وابسته بوده و افزایش نرخ ارز باعث گرانت شدن نهاده‌های وارداتی شده و نهایتاً باعث کاهش تولید می‌شود. البته در صورتی که وابستگی تولید بواسطه نهاده‌های خارجی به ارز شدید نباشد (که اینطور نیست)، می‌توان انتظار داشت که تغییرات نرخ ارز از طریق افزایش صادرات و ارتقاء بهره‌وری و رقابت‌پذیری باعث افزایش تولید شود. در هر حال بایستی اشاره کرد که قبل از اینکه از تغییر نرخ ارز به‌عنوان ابزار سیاستی استفاده شود بایستی مقدمات فنی، ساختاری و تکنولوژیکی لازم جهت ارتقاء بهره‌وری و رقابت‌پذیری فراهم شود تا وابستگی به واردات بواسطه ارتقاء کیفیت کالاهای داخلی (که البته فرایندی بلندمدت است) کاهش یابد.

۶. نظام ارزی مطلوب

همانطور که می‌دانیم نظام ارزی عبارت است از سازوکاری که در آن نرخ ارز به‌وسیله نیروهای عرضه و تقاضای بازار ارز تعیین می‌شود به این معنی که زمانی نظام ارزی مفهوم پیدا می‌کند که بازار عمیق و رقابتی ارز وجود داشته باشد. از اینرو می‌توان ادعا کرد که کشوری دارای نظام ارزی است که عوامل ذره‌ای و بسیار زیاد در هر دو طرف بازار ارز یعنی عرضه و تقاضا اقدام به فعالیت در بازار ارز کرده و تغییر رفتار هر کدام از این عوامل وضعیت بازار ارز را متأثر نکند. با عنایت به این مباحث بدیهی است که اگر کشوری منشأهای گوناگون ارزآوری داشته باشد و این توانایی را داشته باشد تا بتواند طیف گسترده‌ای از کالاها و خدمات را صادر کند، می‌توان برای آن کشور وجود نظام ارزی عمیق و رقابتی را متصور شد. با توجه به تعریف نظام ارزی، می‌توان به جرأت ادعا کرد که در اقتصاد ایران نظام ارزی وجود ندارد. دلایل مختلفی برای چرایی وجود نداشتن نظام ارزی در اقتصاد ایران قابل بیان است که از دو جنبه عرضه و تقاضا می‌توان در این مورد بحث کرد.

در طرف عرضه ارز، اصلی‌ترین دلیل نبود بازار عمیق و رقابتی ارز در اقتصاد ایران زیاد نبودن تعداد عرضه‌کنندگان ارز در بازار ارز است که خود ناشی از چند دلیل است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۱۹۹

الف) عدم وجود تنوع صادراتی کالاها و خدمات: طبیعی است که اگر تنوع در صادرات کالاها و خدمات وجود نداشته باشد، منشأ ارزی در اقتصاد کشور محدود شده و اگر تعداد عرضه کنندگان ارز در بازار ارز محدود باشد شکل گیری بازار عمیق ارز امکان پذیر نخواهد بود چراکه تغییر رفتار هر کدام از عرضه کنندگان محدود ارز باعث متأثر شدن بازار ارز خواهد شد.

ب) دولت به عنوان تنها عرضه کننده انحصاری عمده ارز: با توجه به ساختار اقتصاد ایران، دولت عمده ترین عرضه کننده ارز در بازار ارز است چراکه تنها نهادی است که عمده درآمدهای ارزی کشور را دارا بوده و در بازار ارز عرضه می کند.

ج) وابستگی درآمدهای ارزی کشور به نفت: اصلی ترین منبع درآمدی کشور مربوط به درآمدهای حاصل از فروش نفت، میعانات گازی و محصولات پتروشیمی است که البته دو مورد آخر در ارتباط مستقیمی با نفت می باشند. با توجه به اینکه اصلی ترین منبع درآمد کشور وابسته به نفت بوده و این درآمدها در اختیار دولت قرار دارد، لذا وجود تعداد زیاد عرضه کننده ارز در بازار ارز عملی نشده و شکل گیری نظام ارزی زیر سؤال می رود. البته نباید از یاد برد که درآمدهای ارز وابسته به نوسانات قیمت نفت و مقدار فروش نفت نیز است که قیمت نفت متغیری برونزا بوده و تابع تغییرات قیمت جهانی نفت است لذا با تغییر قیمت جهانی نفت (و یا حتی تغییرات در مقدار تولید نفت کشور که متغیری درونی است) درآمدهای ارزی کشور تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه عرضه ارز در بازار ارز متأثر می شود.

بحث مربوط به طرف تقاضای ارز تا حدودی متفاوت است. متقاضیان ارز در بازار ارز اقتصاد ایران زیاد هستند اما به دلیلی مثل نقدینگی زیاد و به قصد سفته بازی این امکان وجود دارد که حجم بالای نقدینگی به بازار ارز سرازیر شده و با افزایش تقاضای ارز، بازار ارز را تحت تأثیر قرار دهد لذا با وجود اینکه تعداد زیادی تقاضاکننده در بازار ارز وجود دارد اما رفتار چند عامل محدود می تواند بازار ارز را متأثر کند. پس با این نگاه به بحث می توان ادعا کرد که نظام ارزی در کشور وجود ندارد.

با توجه به نکات فوق الاشاره و در راستای معرفی نظام ارزی مطلوب، در ابتدا بایستی پایه ریزی ایجاد نظام ارزی در اقتصاد کشور محقق شود و در پی آن بدنال معرفی و پیشنهاد نظام ارزی مطلوب و متناسب با ساختار اقتصاد ایران برآییم. با استفاده از نتایج بدست آمده از مدل های برآورد شده در بخش پنجم مقاله (که حاکی از لزوم شکل گیری مقدمات فنی، ساختاری و

تکنولوژیکی لازم جهت ارتقاء بهره‌وری و رقابت‌پذیری در اقتصاد کشور برای کاهش وابستگی به واردات بواسطه ارتقاء کیفیت کالاهای داخلی است) و با توجه به آسیب‌شناسی نظام ارزی فعلی کشور و به قصد شکل‌گیری بازار عمیق ارز در اقتصاد کشور بایستی اقدامات ذیل که بصورت یک مجموعه بوده و باعث کاهش ریسک‌های ارزی اقتصاد کشور خواهند بود، انجام گیرد البته پیاده‌سازی این اقدامات زمان‌بر می‌باشند:

- ۱- بکارگیری سیاست‌های اقتصادی به قصد متنوع‌سازی صادرات کالاها و خدمات
- ۲- تنوع‌بخشی به منابع ارزآوری در اقتصاد ایران از نفت و محصولات وابسته به آن به صادرات غیرنفتی
- ۳- تلاش برای جداسازی درآمدهای نفتی به عنوان منبعی برای درآمدهای دولتی
- ۴- تلاش برای کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای (به‌عنوان نهاده‌های تولیدی) چراکه سهم بزرگی از واردات کشور را تشکیل می‌دهند.
- ۵- اصلاح ساختارهای نهادی و فنی و تکنولوژیکی تولید کشور
- ۶- افزایش بهره‌وری نهاده‌های تولیدی در اقتصاد کشور به‌خصوص بهره‌وری نیروی کار
- ۷- ارتقاء رقابت‌پذیری کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد کشور
- ۸- فراهم‌سازی زمینه برای انجام فعالیت‌های مولد و محدود کردن زمینه انجام فعالیت‌های نامولد
- ۹- کنترل رشد نقدینگی و بکارگیری سیاست هدایت نقدینگی از فعالیت‌های سفته‌بازی و نامولد به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی

بدنبال بکارگیری اقدامات فوق‌الشاره می‌توان انتظار داشت که نظام ارزی (که قبل از تحریم‌ها و حتی بعد از تحریم‌ها وجود نداشته است) در اقتصاد ایران شکل بگیرد. شکل‌گیری نظام ارزی به معنی شکل‌گیری عوامل ذره‌ای در سمت عرضه بازار ارز می‌باشد. بدنبال شکل‌گیری نظام ارزی، می‌توان از نظام ارزی شناور مدیریت‌شده به‌عنوان نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران نام برد.^۱ نظام ارزی شناور دارای مزایایی به شرح ذیل است که انتخاب آن را برای اقتصاد ایران (بعد

۱. در ارتباط با وضعیت نظام ارزی کشور و تفاوت آن قبل و بعد از تحریم‌ها با وضعیت مطلوب باید اشاره کرد که قبل از برقراری تحریم‌ها بطور اسمی عنوان می‌شد که نظام ارزی کشور از نوع شناور مدیریت‌شده است اما غالباً در عمل شاهد الگوی تثبیتی و نه شناور مدیریت‌شده در نظام ارزی کشور بوده‌ایم. از سوی دیگر قبل از تحریم‌ها و حتی بعد از برقراری تحریم‌ها شاهد نظام ارزی عمیق و رقابتی (به معنی دقیق آن) نبوده‌ایم اما طبق نتیجه مقاله و برای مقابله با تحریم‌ها و برای ایجاد تفاوت در نظام ارزی کشور در

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۲۰۱

از بکارگیری و به نتیجه رسیدن سیاست‌های فوق‌الاشاره) مطلوب می‌کند؛ در عین حال بهتر است که نظام ارزی شناور از نوع نظام ارزی شناور مدیریت شده باشد تا در مواقع لزوم امکان مدیریت بازار ارز وجود داشته باشد.

مهم‌ترین مزایای نظام ارزی شناور:

- ۱- نقش دولت در بازار ارز در این نوع نظام ارزی منتفی است چراکه در نظام ارزی شناور، زمینه دخالت دولت و مقامات پولی در بازار ارز از بین رفته است.
- ۲- این نوع نظام ارزی وابسته به وجود ذخایر ارزی زیاد نیست زیرا وقتی نرخ ارز در بازار ارز تعیین می‌شود و دولت و مقامات پولی ملزم به ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز نیستند، نیازی به عرضه ارز در بازار در موقع افزایش قیمت آن نیست.
- ۳- در نظام نرخ ارز شناور، کاهش یا افزایش نرخ ارز به صورت تدریجی و محدود انجام می‌شود به این معنی که نرخ ارز در مواجهه با هرگونه عدم تعادل تجاری (یا تراز پرداخت‌ها) عکس‌العمل نشان می‌دهد و عدم تعادل بوجود آمده را با تغییر خود مرتفع می‌کند. لذا چون اقتصاد سریع به تعادل رسیده و عدم تعادل انباشت نمی‌شود تغییرات نرخ ارز تدریجی و محدود است.^۱

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این مقاله عبارت از معرفی و پیشنهاد نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی بود. برای این منظور مقاله در چند بخش تقسیم‌بندی شد بطوری که در ابتدا ضمن بیان پیشینه تحقیق و مبانی نظری به تصریح مدل‌های تحقیق که مربوط به بررسی رابطه بین نرخ ارز با متغیرهای کلان صادرات، واردات و تولید بودند، پرداخته و سپس آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود اقتصاد ایران صورت پذیرفت. در ادامه مقاله، با استفاده از نتایج برآورد مدل‌های معرفی شده و همچنین بحث‌های مربوط به آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود کشور، تلاش شد تا پیش‌نیازهای لازم برای پی‌ریزی نظام ارزی بیان گردیده و همچنین نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران معرفی و پیشنهاد شود.

قبل و بعد از تحریم‌ها باید اقدامات مورد اشاره در بخش ششم مقاله انجام گیرد تا نظام ارزی عمیق و رقابتی شکل گیرد و در نتیجه شکل‌گیری نظام ارزی عمیق و رقابتی است که نظام شناور مدیریت‌شده نتیجه مطلوب را برای اقتصاد ایران خواهد داشت.

۱. شاکری (۱۳۹۱)

با توجه به تعریفی که از اقتصاد مقاومتی مبنی بر مجموعه تدابیر مدیریتی جهت حداقل سازی آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر ریسک‌های متعدد ارائه شد، بایستی وضعیت ارزی اقتصاد ایران به گونه‌ای اصلاح شود که توانایی مقاومت در برابر هرگونه ریسک را داشته باشد. با توجه به تعریفی که از نظام ارزی بیان گردید و با عنایت به دلایلی که مطرح شد به این نتیجه رسیدیم که در اقتصاد ایران نظام ارزی وجود ندارد چراکه عوامل ذره‌ای عرضه و تقاضاکننده ارز در بازار ارز نداریم که تغییر رفتار هر کدام یا مجموعه‌ای از آنها بر بازار ارز بی‌اثر باشد. لذا بایستی در ابتدا پایه‌ریزی شکل‌گیری نظام ارزی در اقتصاد ایران شکل گرفته و بدنبال آن سعی در معرفی نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران داشته باشیم. برای این منظور و با استفاده از نتایج مدل‌های برآورده شده و آسیب‌شناسی که از نظام ارزی موجود کشور بیان گردید، این نتیجه بدست آمد که بایستی مجموعه اقداماتی برای نیل به سمت داشتن نظام ارزی انجام گیرد که اهم آنها عبارت از (الف) بکارگیری سیاست‌های اقتصادی به قصد متنوع‌سازی صادرات کالاها و خدمات (ب) اصلاح ساختارهای نهادی و فنی و تکنولوژیکی تولید کشور (ج) افزایش بهره‌وری عوامل تولید به خصوص بهره‌وری نیروی کار (د) ارتقاء رقابت‌پذیری کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد کشور (ه) تنوع‌بخشی به منابع ارزآوری در اقتصاد ایران از نفت و محصولات وابسته به آن به صادرات غیرنفتی می‌باشند. بدنبال بکارگیری مجموعه اقدامات اشاره شده و شکل‌گیری نظام ارزی در اقتصاد ایران، نظام ارزی شناور مدیریت شده به‌عنوان نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران معرفی گردید که علت این انتخاب نیز مربوط به مزایای نظام ارزی شناور از یکسو و امکان مدیریت نرخ ارز در مواقع لزوم از سوی دیگر می‌باشد.

منابع

الف - فارسی

- اولین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری، دانشگاه علامه طباطبائی، آبان ماه ۱۳۹۱.
- پهلوانی، مصیب، دهمرده، نظر و مهدی حسینی (۱۳۸۶)، «تخمین توابع تقاضای صادرات و واردات در اقتصاد ایران با استفاده از روش همگرایی ARDL»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۰۱.

نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی ۲۰۳

تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک Microfit*، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران.

توکلی، اکبر و محسن سیاح (۱۳۸۹)، «تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیتهای اقتصادی کشور»، *پول و اقتصاد*، سال دوم، شماره ۴.

دومین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها، دانشگاه علامه طباطبائی، آذر ماه ۱۳۹۱.

شاکری، عباس (۱۳۹۱)، *نظام ارزی موجود و اقتصاد کلان*، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

شاکری، عباس (۱۳۸۳)، «عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی ایران»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۱، صص ۵۰-۲۳.

عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۰)، *تحلیلی بر چالشهای بازار ارز ایران*، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹۳۳.

کميجانی، اکبر و محمد نادعلی (۱۳۸۴)، «انتخاب نظام ارزی مناسب برای اقتصاد ایران با توجه به شوکهای نفتی وارد بر آن»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۳.

ب- انگلیسی

Caldron, C. and K. Hebbel (2008), "Choosing an Exchange Rate Regime, Central Bank of Chile", Working Paper, N. 494.

Frenkel, J. and J. Aizenman (1982), "Aspects of the optimal management of exchange rates", *Journal of International Economics*, Volume 13, Issues 3-4, Pages 231-256.

Guomundsson, M., Petursson, T. and A. Sighvatsson (2000), "Optimal Exchange Rate Policy: the Case of Iceland", Central bank of Iceland, Working paper, No.8.

Kalyoncu, H., Artan, S., Tezekici, S. and I. Ozturk (2008), "Currency Devaluation and Output Growth: An Empirical Evidence from OECD Countries", *International Research Journal of Finance and Economics*, Issue. 14, PP. 232-238.

Oskoe, M. & G.G. Goswami (2004), "Exchange Rate Sensitivity of Japans Bilateral Flows", *Journal of Japan and The World Economy*, 16, PP. 25-38.

Sebastian, E. (1985), "Are Devaluations Contractionary", NBER Working Paper, No. 1676.

Zhang, Z., Shi, N. and X. Zhang (2011), “China New Exchange rate Regime, Optimal Basket Currency and currency Diversification”, BOFIT Discussion Papers.